

## راه‌های درمان رذائل اخلاقی از منظر محقق نراقی در کتاب جامع السعادات

مصطفی اژدری\*

### چکیده

در این مقاله بعد از ذکر قوای چهارگانه نفس، که خروج از حد وسط و حالت اعتدال در هر کدام، منجر به رذیلت اخلاقی می‌شود به درمان هر کدام از رذائل اخلاقی که در واقع افراط و تفریط از حد تعادل است، بیشتر پرداخته شده است.

محقق نراقی در کتاب *جامع السعادات* سه مرحله را برای درمان رذائل ذکر می‌کنند: (۱) شناخت نوع بیماری و رذیلت؛ (۲) عوامل و اسباب این بیماری؛ (۳) علاج و درمان آن در این مقاله بیشتر به علاج رذائل اخلاقی پرداخته شده و دسته‌بندی دیگری از رذائل اخلاقی ارائه شده است؛ علاج‌ها به دو قسمت عمومی و اختصاصی تقسیم شده و علاج‌های عمومی هم به دو بخش علاج‌ها در حوزه تصحیح بیش فرد و علاج‌ها در حوزه رفتار تقسیم شده است. در پایان علاج‌هایی به عنوان قاعده و شیوه کلی به صورت شیوه‌های عمومی درمان، در اغلب رذائل استخراج شده است.

مرحله دیگری که در درمان رذائل اخلاقی باید به طور مستقل ذکر شود عبارت است از: «مرحله چهارم: حفظ اعتدال اخلاقی و حد وسط به دست آمده».

### واژگان کلیدی:

علاج، درمان، اعتدال، افراط، تفریط، قوای نفس، فضائل، رذائل.

---

\* طلبه درس خارج و دانش آموخته مدرسه شهیدین (ره)



## مقدمه

انسان دارای دو بعد است:

- ۱- بعد پنهان که به آن باطن، جان، روح و روان گفته می‌شود.
  - ۲- بعد ظاهر که از آن با عناوینی مانند جسم، بدن، جسد و تن نام می‌برند.
- هر یک از این دو بعد، ملایمات و ناملایمات، لذات و آلام و بعبارت دیگر درد و دواي مخصوص به خود دارند؛ و بالطبع برای مداوای هر یک باید به علم مخصوص خودش مراجعه کرد؛ شرح بیماری‌ها و امراض جسم را علم پزشکی بیان می‌کند. درد و رنج روح عبارت از رذایل اخلاقی است و بهبودی آن با بازگشت به فضایل اخلاقی میسر است که باعث سعادت و کمال شده و آدمی را به مصاحبت با خداشناسان و مقربان درگاه الهی می‌رساند. علمی که عهده‌دار بیان این رذایل و نشان دادن راه درمان آن‌هاست «علم اخلاق» نامیده می‌شود.
- فضایل اخلاقی سرمایه نجات و رستگاری انسان و رساننده او به سعادت جاوید است. رذایل اخلاقی نیز مایه بدبختی و شقاوت همیشگی وی است. پس پاک ساختن نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل از مهمترین واجبات است و بدون آن دست یافتن به زندگانی حقیقی محال است.
- با توجه به اهمیت پاک کردن درون از رذایل اخلاقی و کسب فضایل، لازم است راه‌های درمان و علاج رذایل را بیاموزیم و تمام همت خود را در این راه بکار ببندیم.
- اکنون این سوال مطرح می‌شود که راه‌های علاج و درمان رذایل اخلاقی کدامند؟ این مقاله از منظر محقق نراقی در کتاب *جامع السعادات* به این راه‌ها پرداخته و درمان اصلی رذایل را، برگشت به حد تعادل در قوای چهارگانه نفس می‌داند. مؤلف از آغاز تا پایان مقاله بنیاد آن را بر نظریه اخلاقی «حدّ وسط و دو طرف افراط و تفریط» نهاده است. این نظریه میراث فلسفه یونانی است.
- نخستین کسی که در عالم اسلامی اخلاق به پیروی از افلاطون و ارسطو بحث

معرفت نفس و قوای نفس و رسیدن به حد وسط را مطرح کرده ابن مسکویه (وفات در سال ۴۲۱ هـ. ق) است. به نظر وی اخلاق صادر شده از نفس است و از این رو در آغاز به معرفت نفس و قوای آن می‌پردازد و سپس از فضائل و رذائل سخن می‌گوید. او مانند افلاطون فضائل را تحت چهار فضیلت اصلی (حکمت، شجاعت، عفت، عدالت) در می‌آورد و آنگاه به نظریه ارسطو درباره اعتدال و حد وسط توجه می‌کند و نیل به فضیلت اعتدال را به وسیله عقل می‌داند، و میان سعادت و فضیلت ربط می‌دهد.

## فصل اول: کلیات

### گفتار اول: تعریف اصطلاحات

#### اخلاق:

کلمه «خلق» (به فتح) و «خلق» (به ضم) در لغت عرب از یک ماده هستند، اما از نظر معنا با یکدیگر تفاوت دارند.

ابن منظور می‌گوید:

«الخلق بضم اللام و سکونها و هو الدین و الطبع و السجیة و حقیقته انه لصورة الانسان الباطنه و هی نفسه و اوصافها و معانیها المختصة بها بمنزلة الخلق لصورته الظاهرة و اوصافها و معانیها و لها اوصاف حسنه و قبیحه.

و فی التنزیل: وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ، و الجمع أخلاق، لا یُکسّر علی غیر ذلك. و الخُلُق و الخُلُق: السَّجِيَّةُ»<sup>۲</sup>

کلمه «اخلاق» جمع خلق (به ضم) و خلق شکل درونی انسان است، چنانکه خلق (به فتح) شکل ظاهری و صوری اشیاء است. غرایز و ملکات و صفات روحی و

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶.



باطنی که در انسان است اخلاق نامیده می‌شود و به اعمال و رفتاری که از این خلیقات ناشی گردد نیز اخلاق و یا رفتار اخلاقی می‌گویند.

### نفس:

تعریف نفس این است که جوهری ملکوتی است که در حاجات خود بدن را به کار می‌گیرد، و همو حقیقت و ذات انسان است، و اندامها و قوا آلات اوست زیرا که فعل آنها به نفس وابسته است، و او را بر حسب اعتبارات مختلف نامهایی است، گاهی او را «روح» نامند زیرا زندگی تن به آن بستگی دارد، و گاهی «عقل» نامند زیرا ادارک معقولات می‌کند و زمانی «قلب» خوانند زیرا به وسیله خاطرات دگرگون می‌شود. و گاهی این الفاظ در معانی دیگری که از قرائن فهمیده می‌شود به کار می‌رود.<sup>۳</sup>

### حد وسط:

حد وسط در علوم مختلف، اصطلاحات خاص آن علم را دارد. منظور از حد وسط در علم اخلاق، اعتدال نسبی است. اعتدال نسبی برای این صفات در حکم پهنا و عرضی است که وسطش اعتدال حقیقی و دو طرفش افراط و تفریط است. و مادام که از این دو طرف بیرون نرفته اعتدالی نسبی و اضافی است و هر اندازه به وسط حقیقی نزدیکتر باشد کاملتر و نیرومندتر است و هرگاه از آن دو خارج شد در رذیلت داخل شده است.

۳. سید جلال الدین مجتوبی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص ۶۹.



### گفتار دوم: قوای نفس و رذائل مربوط به آنها

بعد از تعریف برخی اصطلاحات، در این فصل، مقدماتی را ذکر می‌کنیم که هر چند خارج از موضوع مقاله است ولی لازم است به عنوان مقدمه برای فهم بهتر و سیر منطقی گفته شود.

حال که تعریف نفس در گفتار سابق ذکر شد، به قوای مختلف نفس که هر کدام کارهایی به عهده دارند اشاره‌ای می‌کنیم ایشان اینگونه بیان کرده‌اند:

«نفس را چهار قوه یا نیروست: قوه عقلانی فرشته صفت، قوه غضب درنده خو، قوه شهوت حیوانی و قوه وهمی شیطانی. کار و شأن نیروی عقلانی، ادراک حقایق امور و تمییز بین خیر و شر و فرمان دادن به افعال نیک و نهی از صفات زشت است. نیروی خشم موجب صدور افعال درندگان از قبیل کینه و دشمنی و آزار رساندن به مردم است. و از نیروی شهوت جز کارهای حیوانات یعنی شکم‌پرستی و شهوت‌رانی جنسی بر نمی‌آید. و کار قوه واهمه (شیطانی) استنباط انواع مکر و حيله و رسیدن به اغراض خود با نیرنگ و فریب است.»<sup>۴</sup>

هر کدام از این قوا اگر از حالت اعتدال خارج و به افراط یا تفریط کشیده شوند، به عنوان یک بیماری اخلاقی شمرده می‌شوند و در این مقاله به دنبال راه‌های علاجی برای درمان این بیماری‌ها هستیم.

پس در برابر هر فضیلت، رذائل زیادی از دو طرف افراط و تفریط وجود دارد، و برای هر یک نام خاصی نیست و شمارش همه امکان ندارد، وظیفه عالم اخلاق این است که اصول و قوانین کلی را بیان کند نه اینکه موارد جزئی را احصا کند و قانون کلی این است که در موارد انحراف از حد وسط، به طرف افراط و یا به طرف تفریط، باید به وسیله راه‌ها و علاج‌هایی که بعداً خواهد آمد، نفس را تعدیل کرد تا به حد وسط و راه اعتدال نفس باز گردد.

۴. سید جلال‌الدین مجتوبی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص ۶۹.



پس در برابر هر فضیلت، دو جنس رذیلت قرار دارد. یکی در جانب افراط و زیاده‌روی و دیگری در جانب تفریط. پس هشت نوع رذیلت در اطراف قوا وجود دارد که به اختصار بیان می‌شود. ایشان این‌گونه تقسیم کرده‌اند:

«در برابر حکمت دو رذیلت است: جربزه (زیرکی و استعداد فریفتن و گول زدن) و بلاهت (کودنی). اوّلی در طرف افراط است و به کار بردن فکر در آنچه سزاوار و شایسته نیست و دومی در طرف تفریط است و عبارت است از تعطیل و به کار نبردن نیروی فکر در آنچه سزاوار است یا کمتر به کار بردن فکر.

در برابر شجاعت دو رذیلت هست: تهوّر (بی‌باکی) و جبن (ترسوئی). تهوّر در جانب افراط و عبارت است از اقدام در اموری که باید از آن‌ها پرهیز کرد. و جبن در طرف تفریط است و آن ترس و اجتناب از کارهایی است که باید به آن‌ها اقدام کرد.

و در برابر عفت (خویشتن‌داری) دو رذیلت هست: شره (آزمندی و هرزگی) و خمود (افسردگی و بی‌حسی). اوّلی در طرف افراط است و عبارت است از فرو رفتن در لذّات و شهواتی که بنا بر شرع و عقل نیکو و پسندیده نیست، و دومی در طرف تفریط است و عبارت است از بازداشتن نفس از طلب آنچه برای بدن ضروری است.

و در برابر عدالت دو رذیلت قرار دارد: ظلم (ستم کردن) و انظلام (ستم کشیدن). ظلم در طرف افراط است و به معنی تصرف در حقوق و اموال مردم به ناحق است، و انظلام در طرف تفریط است و به معنی ظلم‌پذیری و ستم‌کشی از ظالم و انقیاد و مذلت نسبت به وی در آنچه از تعدّی و جور می‌خواهد.<sup>۵</sup>

۵. سید جلال‌الدین مجتبی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص: ۱۱۱

حال که قوای چهارگانه و اطراف آن‌ها و افراط و تفریط در هر کدام بیان شد و دانستیم که منظور از درمان، بازگشت به اعتدال و حد وسط است؛ اکنون باید معنای اعتدال و حد وسط بدانیم.

### حد وسط

ایشان با بیان مقدماتی که قبلا به اختصار توضیح داده شد درباره حد وسط اینگونه بیان کرده‌اند:

«ثم الوسط إما حقیقی و هو ما تكون نسبتہ إلى الطرفين على السواء كالأربعة بالنسبة إلى الاثنين و الستة، و هذا كالمعتدل الحقیقی الذى أنكر الأطباء وجوده، أو إضافی و هو أقرب ما يمكن تحققه للنوع أو الشخص إلى الحقیقی و يتحقق به كمالهما «اللائق بحالهما» و إن لم يصل إليه، فالتسمية بالوسط إنما هو بالنسبة إلى الأطراف التى هى أبعد من الحقیقی بالإضافة إليه، و هذا كالاعتدالات النوعية و الشخصية التى أثبتها الأطباء، فإن المراد منها الاعتدالات التى يمكن تحققها للأنواع و الأشخاص، و هو القدر الذى يليق بكل نوع أو شخص أن يكون عليه، و إن لم يكن اعتدالا حقیقيا بمعنى تساوى الأجزاء البسيطة العنصرية و تكافؤها فى القوة و الأقربية إلى الحقیقی بالنسبة إلى سائر الأطراف سمي إضافيا.

ثم الوسط المعتبر هنا هو الإضافی لتعذر وجدان الحقیقی و الثبات عليه، و لذا تختلف الفضيلة بالاختلاف الأشخاص و الأحوال و الأزمان، فربما كانت مرتبة من الوسط الإضافی فضيلة بالنظر إلى شخص او حال أو وقت، و رذيلة بالنسبة إلى غيره.»<sup>۶</sup>

۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۱.



پس طبق آنچه که مرحوم نراقی فرمودند منظور، حد وسط نسبی و اضافی است زیرا پیدا کردن حد وسط حقیقی و پایداری بر آن بسیار دشوار است و به همین جهت فضیلت، به اختلاف اشخاص و احوال و زمانها مختلف می‌شود. چه بسا مرتبه‌ای از حد وسط به تناسب احوال شخصی فضیلت، ولی به تناسب احوال شخص دیگر رذیلت حساب شود.

توضیح بیشتر: شکی نیست که حد وسط حقیقی در اخلاق چون در حکم نقطه تقسیم‌ناپذیر است یافتن و پایداری بر آن ممکن نیست به همین علت کسی که مَنصَف به فضیلتی باشد نمی‌توان حکم کرد که آن فضیلت «وسط حقیقی» است، مگر این‌که گفته شود که چون آن فضیلت به وسط حقیقی نزدیک است و نزدیکتر از آن امکان ندارد به سبب نزدیکتر بودنش به آن، نسبت به دیگر مراتب وسط نسبی است. پس اعتدال نسبی برای آن در حکم پهنا و عرضی است که وسطش اعتدال حقیقی و دو طرفش افراط و تفریط است. و مادام که از این دو طرف بیرون نرفته اعتدالی نسبی و اضافی است و هر اندازه به وسط حقیقی نزدیکتر باشد کاملتر و نیرومندتر است و هر وقت از آن دو خارج شد در رذیلت داخل شده است.

پس کمال برای هر انسانی عبارت است از عدل و رعایت حد وسط و میانه‌روی در جمیع صفات و افعال باطنی و ظاهری، چه مربوط به شخص او یا بین او و هموعان باشد. ایشان مواردی که لازم است در آنها حد وسط و عدالت برقرار شود را بیان می‌فرمایند که به اختصار به این صورت است:

۱- بین علم و عمل: باید انسان چنان در حد وسط باشد که بقدر امکان بین آن دو را جمع کند و به یکی از آن دو اکتفا نکند. امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«قَصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ فَالْجَاهِلُ يُغْشَى النَّاسَ بِتَنَسُّكِهِ وَ





«الْعَالِمُ يَغْرُهُمْ بِتَهْتِكِهِ»<sup>۷</sup>

بر اساس این حدیث، اکتفا به یک مورد یا خروج از حد اعتدال مذموم شمرده شده است.

۲- در عمل نیز میان حفظ ظاهر و باطن متوسط الحال باشد، نه اینکه در باطن پلید و ناپاک و در ظاهر پاک باشد.

۳- در علوم بین علوم باطنی عقلی و علوم ظاهری شرعی حدّ وسط را برگزیند و از کسانی نباشد که نظر خود را صرفاً بر ظواهر آیات محدود و مقصور می‌کنند و از حقایق آن‌ها چیزی نمی‌شناسند.

۴- در علوم شرعی بین اصول و فروع حدّ وسط را اختیار کند، نه اخباری باشد که قواعد قطعی را رها کند و نه آنچنان اصولی که به قیاسات کلی بسنده کند.

بعد از بیان مطالبی که بعنوان مقدمه، ذکر آن‌ها ضروری بود اکنون به بحث اصلی وارد می‌شویم که در این مقاله در پی تبیین و بررسی آن هستیم. از این رو به مراحل و کیفیت درمان رذایل اخلاقی می‌پردازیم که در واقع طبق بیان مرحوم نراقی برگشت به اعتدال و حد وسط در قوای سه گانه است.

## فصل دوم: مراحل درمان بیماری‌های اخلاقی

مقدمه: شیوه محقق نراقی در بیان درمان‌ها

ایشان در کتاب خود درمان بیماری‌های اخلاقی را به درمان بیماری‌های جسمی تشبیه کرده است و طبّ جسمانی (علم پزشکی) را سرمشق و الگوی طبّ روحانی (علم اخلاق) می‌دانند.

درمان بیماری‌های جسمی طی چند مرحله صورت می‌گیرد، ابتدا تشخیص و



شناخت نوع بیماری، سپس علل و عوامل و علامات بیماری، در نهایت هم چگونگی علاج و درمان بیان می‌شود. ایشان می‌فرمایند:

«قد تبين أن للطب الروحاني أسوة بالطب الجسماني. و القانون في معالجة الأمراض الجسمانية أن يعرف جنس المرض أولاً، ثم الأسباب و العلامات، ثم يبين كيفية العلاج. و العلاج فيه إما كلي يتناول جميع الأمراض، أو جزئي يختص بمرض دون مرض، فكذاك الحال في الطب الروحاني»<sup>۸</sup>

ایشان سه مرحله را به عنوان مراحل درمان ذکر کرده‌اند ولی به نظر می‌آید یک مرحله دیگر هم باید اضافه کرد و آن حفظ این اعتدال است که طی این سه مرحله به دست می‌آید چون در صورت عدم حفظ اعتدال، درمان بطور کامل صورت نگرفته و موقتی است و امکان دارد به راحتی دوباره به مسیر افراط و تفریط برگردد. بنابر این در این فصل به مراحل چهارگانه علاج بیماری‌های نفسانی، در چهار گفتار خواهیم پرداخت ولی به دلیل این که موضوع مقاله بیشتر بر علاج‌های اخلاقی تکیه دارد، در این فصل دو مرحله اول بصورت خلاصه بیان شده و بیشتر به شیوه‌های علاج مشکلات اخلاقی به عنوان گفتار چهارم، پرداخته می‌شود.

#### گفتار اول: شناخت بیماری‌های نفسانی

بیماری‌های نفسانی همان انحراف اخلاق از اعتدال و حدّ وسط بوده و برای شناختشان باید گفت قوای انسان سه نوع است: اول قوه تمییز یا عقل، دوم قوه غضب که به قوه دافعه تعبیر می‌شود و سوم قوه شهوت که به قوه جاذبه (نیروی کشش) تعبیر می‌شود. و انحراف هر یک از این‌ها یا انحراف در کمیت است یا در کیفیت.

۸. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۳۱.



انحراف در کمیت یا زیاده‌روی از اعتدال است یا نقصان آن. و انحراف در کیفیت به علت فساد آن قواست.

پس بیماری‌های هر قوه‌ای یا به حسب افراط است یا به حسب تفریط، یا بر حسب تباهی و پستی کیفیت. برای نمونه به قوه تمییز و عقل اشاره کرده و به بیماری‌هایی که با خروج از اعتدال در این قوا حاصل می‌شود مثال می‌زنیم:

افراط: مانند جربزه و نمایش تیزهوشی و زیرکی، و تجاوز از حد نظر و تفکر، و مبالغه در بحث و جدل، و پافشاری در شبهات واهی و بی‌اساس، و حکم و داوری درباره مجردات (معقولات) به وسیله قوه وهم، و به کار بردن ذهن در ادراک آنچه درک و فهم آن ممکن نیست.

تفریط: مانند بلاهت و کودنی، و کوتاهی و ناتوانی نظر و اندیشه از درک مقدار ضروری، مانند جاری ساختن احکام محسوسات بر مجردات و معقولات.

تباهی و فساد آن: مانند سفسطه در عقاید و تمایل به علوم غیر یقینی - مانند جدل - بیش از تمایل به امور یقینی (برهان) و به کارگیری آن به جای امور یقینی و برهانی، و شوق به کهنات و پیشگوئی و شعبده و مانند این‌ها برای رسیدن به خواسته‌های پست.

یکی از مواردی که تشخیص نوع بیماری تاثیر خیلی زیادی در کیفیت درمان دارد، در بحث خوف و رجا است که اگر بیماری درست تشخیص داده نشود نه تنها درمانی صورت نمی‌گیرد بلکه این تشخیص اشتباه باعث غرق شدن در این رذیلت می‌شود. ایشان در این بحث می‌فرمایند:

«کسی که ترس و خوف او را بیشتر به کار و امید و رجا، پس خوف و بیم برای او شایسته‌تر و بهتر است از امید و رجا. شخص دیگری که بر عکس این است حکمش نیز بر عکس است. و کسی که گرفتار بیماری امن از مکر و عذاب خدا و غرور باشد، خوف برای

او به صلاح نزدیکتر است. و کسی که یأس و ناامیدی بر او غلبه دارد رجاء و امیدواری برای او اصلح و بهتر است. و کسی که در گناهان فرو رفته بیشتر در خور خوف و بیم است. و کسی که گناهان آشکار و پنهان را ترک کرده شایسته و اصلح این است که ترس و امید او مساوی و بر حد اعتدال باشند. کسانی که در طغیان گناهان غوطه‌ور شده و به مفسد دچار گشته‌اند - مانند اکثر مردم زمان ما - دوای رجاء برای آنان زهر کشنده است، زیرا گوش دادن این‌ها به امید جز افزایش طغیان و فساد و گناهشان اثر و ثمری نخواهد داشت. پس واعظ مردم باید بیماری‌های آن‌ها را بشناسد و در علل آن بیماری‌ها نظر کند، و هر علتی را به ضد آن علاج کند نه به چیزی که آن را می‌افزاید. بنابراین در مثل این زمان شایسته است که انگیزه‌های رجاء را یاد نکند، بلکه در ذکر اسباب خوف مبالغه نماید، تا بکلی به هلاک و نابودی کشانده نشوند.<sup>۹</sup>

### گفتار دوم: عوامل بیماری‌های نفسانی

عوامل انحراف در اخلاق، یا در خود نفس از آغاز خلقتش وجود دارد، یا از اشتغال به اعمال فاسد و زشت پدید می‌آید، یا عامل جسمانی و بدنی دارد؛ و این امراض موجب بعضی از ملکات پست و ناپسند می‌شود.

در مواردی که اشتغال و عادت به یک صفت رذیله وجود دارد به تناسب زمان و کیفیت اشتغال، درمان آن هم متفاوت است و اگر مدت زیادی اشتغال وجود داشته، درمان آن هم سخت‌تر است.

ایشان درباره ارتباط برخی امراض روحانی با جسم اینگونه توضیح می‌دهند:

۹. سید جلال‌الدین مجتوبی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص ۱۳۸.



«راز این مطلب این است که نفس چون با بدن بستگی و ارتباط دارد، هر یک از آن دو تحت تأثیر دیگری است، و هر حالتی که برای یکی پدید آید به دیگری نیز سرایت می‌کند. چنان‌که خشم و عشق نفس موجب اضطراب و ارتعاش تن می‌شود و در بدن ایجاد بیماری می‌کند، بخصوص هنگامی که در اعضای رئیسه و اصلی بدن عارض شود که موجب نقص در ادراک نفس و تباهی تخیل آن می‌گردد. و بسیار اتفاق می‌افتد که بعضی از امراض ناشی از سودا موجب بداندیشی و جبن و بدگمانی می‌شود و برخی دیگر تهوّر و بی‌باکی می‌آورد و از بیشتر بیماری‌ها بد خلقی پدید می‌آید»<sup>۱۰</sup>

مطلب دیگر این‌که فضیلت و رذیلت‌های نفس یا متعلق به یکی از این قوای سه‌گانه‌اند یا به دو قوه یا به هر سه قوه. نمونه و مثال تعلق به یک قوه، جهل و علم است که متعلق به عاقله‌اند، و غضب و حلم که متعلق به قوه غضبیّه‌اند، و حرص و قناعت که متعلق به قوه شهویّه‌اند. و اما آنچه متعلق به دو یا سه قوه است (یا اصنافی دارد که بعضی متعلق به بعضی دیگرند) مانند حبّ جاه یعنی طلب مقام و منزلت در دل‌ها که اگر مقصود از آن تسلط بر مردم و برتری و تفوق بر آنها باشد از رذائل قوه غضب است. و اگر مقصود از آن طلب مال برای رسیدن به شهوت شکم و غریزه جنسی باشد از رذائل قوه شهویّه است. اما آنچه به دو یا سه قوه تعلق دارد که به طور مشترک در نوع فضیلت و رذیلت یا بعضی از اصناف آن دخالت دارد، مانند حسد که انگیزه آن دشمنی و توقع رسیدن نعمت به او با هم است، و مانند غرور که عبارت است از آرامش و آسایش یافتن نفس بر وفق هوی و هوس و واداشتن نفس به رسیدن به آن از طریق خدعه و نیرنگ شیطانی. پس عوامل مختلفی در شکل‌گیری این صفت دخیل است که در درمان باید به همه آنها دقت شود.

۱۰. سید جلال الدین مجتوبی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ۱۴۶



هر یک از این دو گفتار نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد ولی به دلیل این که تمرکز اصلی این مقاله بر راه‌های درمان رذایل است، بیش از این اطلاع کلام ننموده و به بحث درمان‌ها بیشتر می‌پردازیم.

### گفتار سوم: علاج‌ها

#### مقدمه: شیوه بیان علاج‌ها

در این بخش به بررسی علاج‌ها در کتاب شریف *جامع السعادات* می‌پردازیم. ترتیب مباحث کتاب این گونه است که ابتدا هر فضیلت یا رذیلت را نام برده و توضیح می‌دهد و بعد از بررسی عوامل به علاج و درمان رذائل می‌پردازد. ولی نگارنده در این مقاله سعی کرده است که به شکل دیگری به درمان رذایل بپردازد.

در این مقاله تلاش شده ابتدا با استقرای ناقص، به علاج‌های عمومی که در این کتاب اشاره شده بپردازیم و مواردی را که محقق نراقی در بیماری‌های مختلف به این علاج‌ها اشاره کرده است ذیل یک عنوان بیاوریم. به عنوان مثال یکی از علاج‌ها و درمان‌هایی که ایشان در موارد مختلف بیماری‌ها به آن اشاره می‌کند درمان به ضد آن و یادآوری فواید و آثار ضد این رذیلت اخلاقی است که در درمان غضب، کینه، عجله، وسواس و.... بعنوان درمان ذکر شده است.

علاج‌های عمومی را هم به دو بخش درمان‌های مربوط به حوزه بینشی و فکری و درمان‌های مربوط به حوزه عمل و رفتار تقسیم کردیم که دسته‌بندی آن‌ها منطقی و آسان شود.

با توجه به ظرفیت این مقاله نتوانستیم همه موارد علاج و درمانی ذکر شده در کتاب را بیاوریم و فقط به موارد مهم علاج و درمان پرداخته‌ایم.

بعد از ذکر درمان‌های عمومی، بعضی از دستورالعمل‌های خاص درمان که برای بیماری‌های اخلاقی خاص ذکر شده است را به عنوان علاج اختصاصی ذکر کرده‌ایم.



در نهایت هم بعضی از شیوه‌های مهم در درمان بیماری‌های اخلاقی را از کتاب استخراج کرده تا در مواجهه با مشکلات اخلاقی بعضی اسلوب‌ها و شیوه‌ها بطور مشخص بکار گرفته شود.

## علاج‌های عمومی

### علاج‌های بینشی

- یادآوری زشتی این صفت و اینکه موجب هلاکت در دنیا و آخرت است: مرحوم نراقی این عنوان را در درمان و علاج موارد مختلف بیماری‌های اخلاقی ذکر کرده است، از جمله این موارد:  
علاج جربزه،<sup>۱۱</sup> علاج جهل بسیط،<sup>۱۲</sup> علاج وسواس،<sup>۱۳</sup> علاج مکر و حيله،<sup>۱۴</sup> علاج جبن،<sup>۱۵</sup> علاج عجله،<sup>۱۶</sup> علاج غضب،<sup>۱۷</sup> علاج کینه،<sup>۱۸</sup> علاج طغیان گری،<sup>۱۹</sup> علاج ریا،<sup>۲۰</sup> علاج حرص،<sup>۲۱</sup> علاج اصرار بر گناهان.<sup>۲۲</sup>

۱۱ . ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات ج ۱، ص ۱۳۶.

۱۲ . همان، ص ۱۳۶.

۱۳ . همان، ص ۱۸۶.

۱۴ . همان، ص ۲۴۰.

۱۵ . همان، ص ۲۴۳.

۱۶ . همان، ص ۳۱۵.

۱۷ . همان، ص ۳۲۶.

۱۸ . همان، ص ۳۴۸.

۱۹ . همان، ص ۴۰۱.

۲۰ . همان، ص ۳۷۲.

۲۱ . همان، ص ۱۰۶.

۲۲ . همان، ص ۸۷.

- شناخت دلایل پافشاری فضلاء بر انجام این فضیلت و فهم دلایل عقلی و نقلی محکم در اثبات مدعا.<sup>۲۳</sup>
- اشتغال به مطالعه و تعلیم و تعلم
- علاج جریزه،<sup>۲۴</sup> علاج جهل مرکب،<sup>۲۵</sup> علاج جهل بسیط.<sup>۲۶</sup>
- توجه به زوال رذیلت و آثارش در دنیا
- علاج عجب به جمال و زیبایی،<sup>۲۷</sup> علاج عجب به مال و ثروت،<sup>۲۸</sup> علاج عجب به جاه و حکومت و منصب،<sup>۲۹</sup> علاج کینه،<sup>۳۰</sup> علاج غضب،<sup>۳۱</sup> علاج حزن،<sup>۳۲</sup> علاج بلند پروازی.<sup>۳۳</sup>
- چینش منطقی مقدمات برای رسیدن مطلوب
- علاج شک و حیرت.<sup>۳۴</sup>
- تقدم تفکر بر رفتار
- علاج غضب.<sup>۳۵</sup>

---

۲۳. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲۴. همان، ص ۱۳۶.

۲۵. همان، ص ۱۵۲.

۲۶. همان، ص ۱۳۶.

۲۷. همان، ص ۳۷۴.

۲۸. همان، ص ۳۷۵.

۲۹. همان، ص ۳۷۶.

۳۰. همان، ص ۳۴۸.

۳۱. همان، ص ۳۲۶.

۳۲. همان، ص ۲۱۳.

۳۳. همان، ص ۳۴.

۳۴. همان، ص ۱۵۴.



نکته: این علاج را می‌توان به صفات دیگر تعمیم داد، به این که در علت و آثار آن تفکر کند.

- تقویت بُعد بینشی نسبت به خلق و خالق
- علاج غضب<sup>۳۶</sup> موارد علاج هفتم، نهم و دوازدهم، علاج عجب<sup>۳۷</sup>.
- شناخت راه و شیوه صحیح بندگی در مقابل شیوه بدلی و خیالی
- علاج عجب<sup>۳۸</sup>، علاج عجب به عبادت<sup>۳۹</sup>، علاج عجب حسب و نسب<sup>۴۰</sup>.

### علاج‌های رفتاری

- درمان به رفتار مزیل بیماری
- در بحث علاج بیماری شک در آخر علاج آن را به رفتاری رهنمون می‌کند و آن این است که به عبادت و قرآن مواظبت کند و همنشینی با علما تا نفس او نورانی شود و ظلمت شک از بین رود.<sup>۴۱</sup>
- درمان به ضد
- یکی از مهم‌ترین درمان‌ها که در موارد زیادی به آن اشاره شده، یادآوری آثار و نتایج ضد رذیلت است و در بعضی از موارد استمرار بر ضدّ با وجود تمام سختی‌ها است.

۳۵. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۲۶.

۳۶. همان، ص ۳۲۶.

۳۷. همان، ص ۳۷۲.

۳۸. همان، ص ۳۷۲.

۳۹. همان، ص ۳۶۹.

۴۰. همان، ص ۳۷۲.

۴۱. همان، ص ۱۵۴.



علاج وسواس،<sup>۴۲</sup> علاج مکر و حيله،<sup>۴۳</sup> علاج خوف و رجاء،<sup>۴۴</sup> علاج عجله،<sup>۴۵</sup> علاج سوء ظن،<sup>۴۶</sup> علاج غضب،<sup>۴۷</sup> علاج کينه،<sup>۴۸</sup> علاج عجب،<sup>۴۹</sup> علاج بخل.<sup>۵۰</sup>

- زایل ساختن اسباب و عواملی که باعث هیجان این صفت می شود

نکته: این علاج منحصر به رفتار نیست بلکه در برخی موارد به بینش نیز وابسته است.



علاج غضب،<sup>۵۱</sup> علاج عجب.<sup>۵۲</sup>

علاج بخل،<sup>۵۳</sup> علاج حب مقام،<sup>۵۴</sup> علاج ریا.<sup>۵۵</sup>

- پرهیز از همنشینی و مصاحبت با افراد دارای این رذیلت

علاج غضب.<sup>۵۶</sup>

این علاج قابل تعمیم به صفات دیگر است.

۴۲. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴۳. همان، ص ۲۴۰.

۴۴. همان، ص ۲۹۵.

۴۵. همان، ص ۳۱۵.

۴۶. همان، ص ۳۲۰.

۴۷. همان، ص ۳۲۶.

۴۸. همان، ص ۳۴۸.

۴۹. همان، ص ۳۷۲.

۵۰. همان، ص ۱۲۳.

۵۱. همان، ص ۳۲۶.

۵۲. همان، ص ۳۷۲.

۵۳. همان، ص ۱۲۵.

۵۴. همان، ص ۳۷۴.

۵۵. همان، ص ۴۰۷.

۵۶. همان، ص ۳۲۶.

### علاج‌های اختصاصی

در این بخش نیز تقسیم به بینشی و رفتاری وجود دارد اما به جهت اختصار، از تفصیل آن خودداری شده است.

همین‌طور بعضی موارد را که به صورت خاص دستورالعملی برای درمان یک مشکل اخلاقی است به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم: معالجات خاصی که در مورد علاج غضب در روایات و آیات آمده است<sup>۵۷</sup> مثل وضوگرفتن یا بعضی ذکرها که در هنگام غضب وارد شده است، یا علاج تکمیلی و سواس به سه امر که به طور خاص درباره این مشکل اخلاقی وارد شده است.<sup>۵۸</sup>

نکته:

دستورالعمل‌ها و معالجاتی که ذکر شد ممکن است چند حالت داشته باشد، بعضی از آن‌ها انگیزه انجام آن رذیلت را کم می‌کند، بعضی آن رذیلت را از بین می‌برد، بعضی شدت آن را کم می‌کند یا در مواقع تحریک و غلیان، موجب فروکش کردن آن می‌شود. در واقع می‌توان این را تقسیم دیگری برای علاج‌ها دانست.

### گفتار چهارم: شیوه‌ها

در این بخش به استخراج شیوه‌ها و راهکارهایی می‌پردازیم که ایشان در کتاب خود استفاده کرده‌اند.

از آن‌جا که استفاده از این روش‌ها و راهکارها در درمان رذایل اخلاقی دیگری نیز کاربرد دارد و می‌توان آن‌ها را به موارد دیگری تعمیم داد، این شیوه‌ها به طور مستقل

۵۷. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۲۶.

۵۸. همان، ص ۱۸۶.

و مجزا در این گفتار ذکر شده‌اند. در واقع می‌توان به عنوان قواعد کلی از آن‌ها در درمان‌های اخلاقی بهره گرفت.

### • درمان به از بین بردن منشا

ایشان در این کتاب گاهی در درمان مشکلات اخلاقی به منشا بیماری‌ها اشاره دارد و با توجه به آن راهکاری ارائه می‌دهند مثلاً در علاج «جهل مرکب» ایشان می‌فرمایند: «ثم إن كان المنشأ له اعوجاج السليقة فأنفع العلاج له تحريض صاحبه على تعلم العلوم الرياضية من الهندسة و الحساب، فإنها موجبة لاستقامة الذهن لألفه لأجلها باليقينيات فيتنبه على خلل اعتقاداتها، فيصير جهلها بسيطاً، فينتهض للطلب. و إن كان خطأ في الاستدلال، فليوازن استدلاله لاستدلالات أهل التحقيق و المشهورين باستقامة القرينة، و يعرض أدلة المطلوب على القواعد الميزانية باحتياط تام و استقصاء بليغ، حتى يظهر خطأه. و إن كان مانع من عصبية أو تقليد أو غير ذلك فليجتهد في إزالته.»<sup>۵۹</sup>

### • مقدمه‌چینی و تصحیح فکر و پیش‌فرض‌های غلط و تقویت باورهای فرد

نسبت به خداوند و موجودات:

خیلی از اعمال و رفتارهای ما قبل از تحقق بر یک سری تفکرات و اعتقادات به عنوان پیش‌فرض استوار است و اگر این پیش‌فرض‌های ذهنی درست و صحیح نباشند، در مرحله تصحیح رفتار نیز درمان عمیق و ریشه‌داری انجام نمی‌شود. گاهی نیاز به چپش مقدمات و قبول آن‌ها است که این کار باید مرحله به مرحله و با تصحیح فکر صورت بگیرد. ایشان در بحث علاج شک و حیرت، به این مطلب

اشاره دارد و طبق این شیوه حرکت کرده است:

«ثم علاجه أن يتذكر أولاً قضية بديهية، هي: أن النقيضين لا يجتمعان ولا يرتفعان، ومنه يعلم إجمالاً أن أحد الشقوق العقلية المتصورة في المطلوب ثابت في الواقع و نفس الأمر و البواقى باطلة، ثم يتصفح المقدمات المناسبة للمطلوب و يعرضها على الأقيسة المنطقية باستقصاء بليغ و احتياط تام في كل طرف، حتى يقف على موضع الخطأ و يجزم بحقية أحد الشقوق و بطلان الآخر. و الغرض من وضع المنطق (لا) سيما مباحث القياسات السوفسطائية المشتملة على المغالطات إزالة هذا المرض. و لو كان ممن لا يقتدر على ذلك، فالعلاج في حقه أن يواظب على العبادة و قراءة القرآن، و يشتغل بمطالعة الأحاديث و سماعها من أهلها، و يجالس الصلحاء و المتقين و أصحاب الورع و أهل اليقين، لتكتسب نفسه بذلك نورانية يدفع بها ظلمة شكه»<sup>٦٠</sup>

همچنین درباره تقویت باورها نسبت به خداوند و موجودات و حوادث عالم، می‌توان به راهکارها و درمان‌هایی که در ذیل درمان غضب ایشان آورده اشاره کرد:

«(السابع) أن يعلم أن ما يقع إنما هو بقضاء الله و قدره، و أن الأشياء كلها مسخرة في قبضة قدرته، و أن كل ما في الوجود من الله، و أن الأمر كله لله، و أن الله لا يقدر له ما فيه الخيرة، و ربما كان صلاحه في جوعه، أو مرضه، أو فقره، أو جرحه أو قتله، أو غير ذلك. فإذا علم بذلك غلب عليه التوحيد، و لا يغضب على أحد، و لا يفتأ عما يرد عليه، إذ يرى - حينئذ - أن كل شيء في قبضة قدرته أسير، كالقلم في يد الكاتب. فكما أن من وقع عليه ملك بضرب عنقه لا يغضب على القلم، فكذلك من عرف الله و علم أن هذا النظام الجملی

صادر منه على وفق الحكمة و المصلحة».<sup>۶۱</sup>

### • تخلیه بعد از تخلیه

ایشان گاهی ترتیب مراحل را هم در نظر دارد مثل درمان تکمیلی وسواس که اول تخلیه و بعد تخلیه را ذکر کرده و اگر تخلیه نباشد ذکر تنها کافی نیست. این شیوه کاملی است که در همه اعمال وجود دارد:

«فصل (ما یتیم به علاج الوسواس): لو أمکن العلاج فی القطع الکلی للوسواس فإنما یتیم بأمور ثلاثة: (الأول) سد الأبواب العظيمة للشيطان فی القلب، (الثانی) عمارة القلب بأضدادها (الثالث) كثرة الذکر بالقلب و اللسان».<sup>۶۲</sup>

### • شیوه درمان به ضد

یکی از شیوه‌های کلی معالجات اخلاقی که گاهی در درمان‌های جسمی نیز استفاده می‌شود، درمان به ضد است. به این معنا که فواید و آثار ضد آن رذیلت بیان می‌شود تا به سمت آن رذیلت میل پیدا نکند یا این‌که به هر سختی که هست ضد آن رذیلت را انجام دهد تا به آن عادت کند. در این کتاب در موارد متعدد از این شیوه استفاده شده است.

در مواردی باید از این حد هم فراتر رفت و آن‌قدر به آن ضد عمل کرد تا ضد به صورت ملکه در آید و استمرار و دوام داشته باشد. حتی اگر برایش سخت است باید تظاهر به ضد کند که در طول زمان این امر برایش آسان شود. مثلاً در درمان غضب ایشان می‌فرماید:

۶۱. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۲۸.

۶۲. همان، ص ۱۹۱.

«(الرابع) ان يتذكر فوائد ضد الغضب، أعنى الحلم و كظم الغيظ، و ما ورد من المدح عليهما فى الأخبار- كما يأتى- و يواظب على مباشرته و لو بالتكلف، فيتحلم و إن كان فى الباطن غضبانا، و إذا فعل ذلك مدة صار عادة مألوفة هنيئة على النفس، فتتقطع عنها أصول الغضب.»<sup>۶۳</sup>

و همچنین در علاج کینه ایشان تاکید دارند که به فرد مورد کینه بیشتر از دیگران محبت شود تا این کینه از بین برود.

### • إزالة أسباب

با از بین بردن مقدمات و اسباب و عواملی که باعث هیجان این صفت می‌شود باید زمینه‌های ایجاد این رذیلت را از بین برد:

«(الأول) إزالة أسبابه المهیجة له، إذ علاج كل علة بحسم مادتها، و هی: العجب، و الفخر، و الكبر، و الغدر، و اللجاج، و المراء، و المزاح، و الاستهزاء، و التعيير، و المخاصمة، و شدة الحرص على فضول الجاه و الأموال الفانية، و هی بأجمعها أخلاق ردية مهلكة، و لا خلاص من الغضب مع بقائها، فلا بد من إزالتها حتى تسهل إزالته.»<sup>۶۴</sup>

۶۳. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۲۸.

۶۴. همان، ص ۳۲۶.

### نتیجه گیری

- بر اساس آنچه در مقاله گذشت، تقسیم دیگری برای علاج‌ها بدین شرح است:
۱. علاج‌های عمومی در حوزه بینش که مهم‌ترین آن‌ها یادآوری زشتی و پیامدهای اخروی و دنیوی آن می‌باشد.
  ۲. علاج‌های عمومی در حوزه رفتار که مهم‌ترین آن‌ها درمان به ضد آن ردیلت اخلاقی می‌باشد.
  ۳. علاج‌های اختصاصی در حوزه بینش مثل درمان‌های اختصاصی وسواس که ذکر شد.
  ۴. علاج‌های اختصاصی در حوزه رفتار مثل درمان بیماری غضب به وضو گرفتن و مثل آن که گذشت.
- از مجموع علاج‌های مذکور، مواردی به عنوان شیوه‌های عمومی استخراج شد که در درمان سایر ردائل اخلاقی می‌توان از آن‌ها کمک گرفت.
- مرحله دیگری که بعد از مرحله درمان لازم است مد نظر قرار گیرد، حفظ اعتدال در صفات اخلاقی است که نسبت به مراحل درمان به مراتب سخت‌تر است و در این مجال امکان بررسی آن بطور تفصیلی وجود ندارد.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، لبنان - بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ اول، دارالحدیث للطباعة و النشر، ایران - قم، ۱۴۲۹ هـ.ق.
۴. مجتبی‌ی سید جلال الدین، *علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)*، چاپ چهارم، حکمت، ایران - تهران، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۶. نراقی، ملا محمد مهدی، *جامع السعادات*، چاپ چهارم، اعلمی، لبنان - بیروت.

